نیرومند:

هنرمند حق دارد به وجوه ناشناخته هولوکاست بپردازد

محمدحسین نیرومند، مدیرعامل انجمن سینمای انقلاب و دفاع مقدس اظهار کرد: غربی‌ها در کاریکاتورهایشان به حضرت موسی(ع) توهین می‌کنند ولی می‌گویند اگر به هولوکاست بپردازید یعنی یهودی‌ستیزی کرده‌اید!

محمدحسین نیرومند، گرافیست، کاریکاتوریست و مدیرعامل انجمن سینمای انقلاب و دفاع مقدس درباره دومین نمایشگاه بین‌المللی کارتون و کاریکاتور هولوکاست اظهار کرد: همانطور که اشاره شده، علت وجودی این نمایشگاه این است که نشان دهیم غرب رفتار دوگانه‌ای با مفاهیم دارد؛ در موضوع کاریکاتورهای اهانت‌آمیز به پیامبر سکوت می‌کند ولی درباره کاریکاتوری با مضمون هولوکاست تمام قد به میدان می‌آید.

نیرومند با اشاره به اینکه این آثار با بحث هولوکاست ارتباط مستقیمی ندارد، افزود: موضوع اصلی این نمایشگاه، پرداختن به گروهی است که از موضوع هولوکاست سوءاستفاده می‌کنند. می‌خواهیم نشان دهیم هولوکاست چطور ابزاری شده که گروهی از جامعه، کار اقتصادی کنند و صنعت هولوکاست را ایجاد و برای خودشان درآمدزایی‌های بسیار زیادی می‌کنند و از آن طریق تلاش می‌کنند سرزمینی را به تصرف دربیاورند. این موضوعات است که مورد توجه نمایشگاه کارتون و کاریکاتور هولوکاست قرار دارد. وی ادامه داد: درباره نمایشگاه هولوکاست بارها تأکید شده که ما این موضوع را نه تأیید و نه رد می‌کنیم اما حتی حاضر نیستند درباره این موضوع هیچ سخنی را بشنوند؛ در حالی که حق هنرمند است که بخواهد وجوه ناشناخته را بررسی کند و چرا باید تحقیق و تفحص درباره یک ماجرای تحقیقی جرم باشد؟ این مسئول فرهنگی اضافه کرد: آنها در کاریکاتورهایشان به حضرت موسی(ع) توهین می‌کنند ولی می‌گویند اگر به هولوکاست بپردازید یعنی یهودی‌ستیزی کرده‌اید! این در حالی است که هیچ کاریکاتوری ضد حضرت موسی(ع) در ایران پیدا نمی‌کنید و این نشان می‌دهد که ما احترام بیشتری از خود آنها برای ادیان و پیامبران مختلف قائل هستیم. نیرومند با اشاره به حضور کاریکاتوریست‌هایی از کشورهای مختلف در این فراخوان گفت: اندیشمندان، انقلابیون و افراد فرهیخته و دلسوز در مقابل واقعیت چشم‌پوشی نمی‌کنند. همانطور که در جریان برگزاری این نمایشگاه هم دیدیم، عده‌ای از هنرمندان به دلیل مجازات‌هایی که در کشورهای مختلف برای سخن گفتن از هولوکاست وجود دارد، با اسم مستعار شرکت کردند و این موضوع نشان می‌دهد خط قرمزهای زیادی بر این موضوع حاکم است. این گرافیست و کاریکاتوریست تأکید کرد: امیدواریم رسانه ملی به شناسایی بیشتر ابعاد این موضوع کمک کند، شبکه‌های مختلف به این نمایشگاه بپردازند، این آثار در سطح ایران تکثیر شود و جلسات نقد و بررسی برای آنها برگزار شود تا افرادی که با جنایت‌های رژیم صهیونیستی در قالب هولوکاست آشنا نیستند، با آن آشنا شوند.

تعلیق انتشار روزنامه جیرانی

دوشنبه شب گذشته و در پایان نخستین جشن روزنامه «سینما»، فریدون جیرانی سردبیر این روزنامه از تعلیق انتشار آن خبر داد.

جیرانی گفت: این جشن پایان یک دوران و آغاز دورانی تازه برای روزنامه سینماست.

این جمله فریدون جیرانی همراه شد با انتشار خبر تعلیق انتشار روزنامه در کانال تلگرام آن.

وضعیت نهایی ادامه انتشار روزنامه به بعد از ماه رمضان موکول شده است؛ با این حال شنیده‌های سینماژورنال حکایت از آن دارند که بخشی از بدنه این روزنامه ظرف هفته‌های آینده یک روزنامه تازه را منتشر خواهند کرد.

روزنامه «سینما» که از حمایت فیروز دولت‌آبادی سفیر سابق ایران در ترکیه سود می‌برد هرچند در آغاز انتشار نام این حامی مالی را در روزنامه نمی‌آورد اما در روزهای اخیر نام وی را به عنوان ناشر در شناسنامه آورده بود.

تعلیق انتشار «سینما» در شرایطی رقم خورد که پیش از این ماهنامه «صنعت سینما» به دلیل آنچه تلاش برای گریز از غلتیدن به دام رانت‌های دولتی قلمداد شده بود، تعطیل شد. به دنبال آن نیز ماهنامه سینمایی «۲۴» با استعفای سردبیر و تیم تحریریه مواجه شد.

خانم بازیگر: بازیگرانی که به پارتی شبانه نروند بیکار می‌شوند!

بازیگر سریال «حلقه سبز» گفت: افرادی مثل من که باندی ندارند و در مهمانی‌های شبانه شرکت نمی‌کنند، جای کاری ندارند.

پردیس افکاری، بازیگر سینما و تلویزیون گفت: با توجه به شرایطی که این روزها بر سینما و تلویزیون حاکم است بسیاری از افراد بیکار شده‌اند و در واقع شرایط نابسامانی به‌وجود آمده است.

وی افزود: افرادی مثل من که باندی ندارند و در مهمانی‌های شبانه شرکت نمی‌کنند، جای کار ندارند. فکر می‌کنم دلیل این موضوع هم مدیریت‌های اشتباهی است که هر کسی که هر کاری دلش بخواهد می‌تواند انجام بدهد.

افکاری عنوان کرد: این روزها هر کسی که کمی پول ته جیب خود دارد تهیه‌کننده می‌شود و تمام اقوام خود را وارد یک کار می‌کند و در نهایت یکسری رنگ و حرکات با عنوان فیلم سینمایی و سریال ارائه می‌دهند.

این بازیگر با اشاره به اشتغال برخی از بازیگران به کار دیگری در کنار بازیگری گفت: از نظر من این کار درست نیست ولی به هرحال عده‌ای به خاطر شرایط این کار را می‌کنند، برای مثال برخی از بازیگران مرد رستوران می‌زنند این هم به خاطر گذران زندگی است.

قهرمان واقعی خود را به «ماه عسل» معرفی کنید

«ماه عسل» در حالی به استقبال ماه مبارک رمضان رفت که احسان علیخانی کمپینی مردمی را برای این برنامه در فضای مجازی تشکیل داده است.

احسان علیخانی مجری برنامه «ماه عسل» امسال با همکاری سایت آپارات کمپینی مردمی به نام «قهرمان من» را راه‌اندازی کرده است که با تهیه یک ویدئو مردم را به شرکت در این کمپین ترغیب می‌کند. وی در این ویدئو از مردم می‌خواهد تا قهرمانان واقعی‌شان را معرفی کنند و می‌گوید: ماه عسل خود را با قهرمان زندگی‌تان بسازید. قهرمانی که کسی او را نمی‌شناسد و نمی‌داند چه زندگی با شکوهی داشته است. ممکن است رفیق، آشنا، فامیل یا فردی را در اطرافمان داشته باشیم که زندگی جذابی دارد و یک قهرمان باشد. قهرمان زندگی‌تان را که انتخاب کردید، در محیطی آرام از او یک مصاحبه قابل پخش بگیرید و از طریق دو لینک aparat.com/maheasaltv و maheasaltv ویدئوها را برای ما ارسال کنید تا قهرمان خود را معرفی کرده باشید. تمامی ویدئوها توسط گروه ماه عسل و احسان علیخانی دیده می‌شوند و از این میان پنج ویدئو به عنوان جذاب‌ترین داستان انتخاب می‌شود. این ویدئوها به عنوان برترین ویدئوها در ماه عسل پخش شده و یک روز ماه عسل به آن داستان اختصاص داده می‌شود و عوامل تولید آن ویدئو نیز عید فطر به ماه عسل دعوت می‌شوند. علاوه بر پنج داستان برتر، یک ویدئو که بیشترین لایک را به خود اختصاص داده است نیز توسط آرای مردم انتخاب می‌شود. ۱۰ سکه بهار آزادی برای هر کدام از پنج ویدئوی برتر و همچنین ۱۵ سکه بهار آزادی برای ویدئوی منتخب مردمی اختصاص داده شده است. برنامه «ماه عسل» با اجرای احسان علیخانی از دوشنبه ۱۷ خرداد ساعت ۱۹ از شبکه سه سیما پخش می‌شود. این برنامه از سال ۸۶ هر سال ماه رمضان مهمان خانه ایرانی‌هاست و از پرطرفدارترین برنامه‌های این ماه به شمار می‌آید.

بیایید ببینیم «ترانه» از فمینیسم چه می‌داند؟!

■ فاطمه محمدی

ترانه علیدوستی بعد از آنکه لوگوی تتوشده روی دستش در یک کنفرانس خبری سوژه عکاسان شد، در یکی از شبکه‌های اجتماعی خود نوشته «آرام باشید، بله، من یک فمینیست هستم!» و در یکی دیگر از صفحات خود توضیحاتی درباره این عقیده خود داده است. خانم علیدوستی نوشته است: برای مخالفت با واژه فمینیسم، بهتر است ابتدا معنی دقیق آن را بدانیم. «فمینیست: شخصی که به برابری اجتماعی، سیاسی و اقتصادی هر دو جنس معتقد است». «اگر سوءتفاهم یا واهمه‌ای از این کلمه دارید به‌جای اتکا به روایت رسانه‌هایی که عمری است اخبارمان را تحریف و روند رسیدن اطلاعات به ما را مهندسی می‌کنند، از گوگل استفاده کنید. خودتان تحقیق کنید و اگر فمینیسم همان فرقه عقده‌گشایانه مردستیز و خانمان براندازی بود که در گوش ما خواندند، باز آن را پس بزنید». وی در جای دیگری از این متن این‌طور نوشته است: «من و همسرم هر دو شاغلیم، هر دو درآمدمان را برای زندگی‌مان خرج می‌کنیم، هر دو در بزرگ‌کردن فرزندمان نقش برابر داریم و هر دو بخشی از نظافت خانه را هم به‌عهده می‌گیریم. به این دلایل من خودم را قطعاً فمینیست می‌دانم». در ارتباط با این موضوع و مواردی که خانم علیدوستی مطرح کرده‌اند، اشاره به نکات ذیل می‌تواند سودمند باشد:

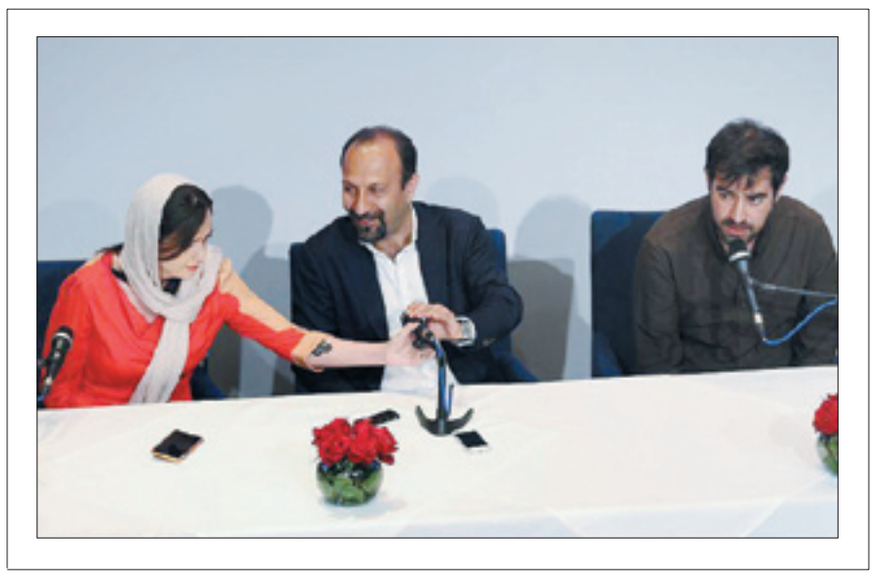

■ **اولاً:** روشن است که اطلاعات خانم علیدوستی بانوی توانمند کشورمان در حوزه بازیگری، در مسائلی مثل فمینیسم و امثالهم در حد یک جست‌وجو در گوگل است و ایشان نسبت به این معارف و مفاهیم آشنایی عمیق و کاوشگرانه‌ای ندارند. البته این مسئله برای فردی که هنر و تخصص اصلی‌اش بازیگری است طبیعی است و انتظار بیش از این به‌دور از انصاف است.

اما برخلاف مرقومه خانم علیدوستی، فمینیسم تعریف واحد و ثابتی ندارد و به‌عبارت بهتر دایره و دامنه مفاهیم ذیل این جنبش و خواسته‌ها و مطالبات آن معین، مشخص و چارچوب‌بندی شده نیست، علت این است که اساساً فمینیسم یک مکتب معرفتی نیست بلکه یک پدیده و به‌عبارت بهتر حرکت (Movement) اجتماعی آغاز شده در قرن هجدهم و نوزدهم و تقریباً همزمان با انقلاب کبیر فرانسه در واکنش به تحقیر زن در جامعه غرب است. کافی است به شعارهای اصلی انقلاب فرانسه توجه کنید: آزادی، مساوات و همبستگی، «تالیران» که شاید، بهترین تاریخ و نقادی انقلاب فرانسه را تهیه کرده می‌نویسد: تا کسی در انقلاب مشارکت نداشته باشد، نمی‌تواند بفهمد که معنای حقیقی این شعارها چیست. وی می‌نویسد: آزادی در امور شهوانی، مساوات در حقوق و امور زن و مرد و تعامل مدنی (به‌جای درگیری) اصل بوده نه تساوی مالی و ثروتی! سپس به تشریح مفصل «سالون»های روشنفکری پاریس که توسط حاکمان سرشناس به محل و محفل انقلابیون فرانسه تبدیل شده بود، می‌پردازد. به‌رغم آنچه امروز تصور می‌شود، در طول تاریخ، زنان در غرب وضعیتی نزدیک به اسفناک داشته‌اند. زن در دوره‌ای جزو تملکات مرد محسوب می‌شد و اگر مرد می‌مرد، زن را نیز همچون بخشی از دارایی‌هایش با وی به خاک می‌سپردند. برخلاف تصورات، زنان در غرب کمتر از یک قرن پیش اساساً حق رأی هم نداشتند.

برخی از مهم‌ترین دلایل وجود چنین وضعیتی را به تصویر زن در میراث یهودی و مسیحی مرتبط می‌دانند. زن در این میراث، سرچشمه خطاست، چراکه او آدم را فریفت تا از آن درخت بخورد و این چیزی است که در کتاب‌های دینی تحریف شده آنان اشاره شده است. هنگامی که حوا این عمل را انجام داد خداوند در نهایت حکم به برتری مرد بر وی داد و پس از آن احکام و اوصاف دیگری بر زن بار شد مانند اینکه زن شیطان و ملعون است و اینکه او روح ندارد تا به‌وسیله آن به بهشت راه یابد بلکه بیشتر وارد جهنم می‌شود و نیز هیچ فضیلتی ندارد که به‌واسطه آن وارد بهشت شود.

بر همین اساس، پس از قرون وسطی و در عصر موسوم به روشنگری، گروهی از زنان در غرب در اعتراض به سرکوب و نفی حداقل‌های حقوق اجتماعی خود، از جمله حق رأی، حق مشارکت اجتماعی و... جنبشی به راه انداختند تا این حقوق خود را به چنگ آورند، با این حال به‌دلیل نداشتن بنیان‌های نظری روشن، هیچ‌گاه مشخص و تعیین نشد که حدود و ثغور این حقوق چیست و تا کجاست.

■ **ثانیاً:** برخی محققان سعی کرده‌اند تسامحاً با این پیش‌فرض که فمینیسم بنیاد معرفتی و ریشه نظری هم دارد، آن را به دو دسته فمینیسم حقوقی و فمینیسم فلسفی تقسیم‌بندی کنند؛ با این حال ماحصل این تقسیم‌بندی هم چیزی عاید خانم علیدوستی نمی‌کند، چراکه در هر دو حالت ادعای ایشان منتفی می‌شود. فمینیست‌های حقوقی با این استدلال که در طول تاریخ نسبت به زن ظلم و حقوقش نقض شده است، خواهان دادن «نقش‌های مشابه» مردان به زنان هستند. این فمینیست‌ها می‌گویند مردان در طول تاریخ برخی نقش‌ها را به خود اختصاص داده و زنان را از کسب آن محروم کرده‌اند. اما منتقدان با بازگرداندن این ادعا به پیش‌فرض نظری آن به‌درستی می‌گویند این مطلب بیش از آنکه در مدح زن باشد، «تحقیر مضاعف» این جنس است، چراکه در این دیدگاه، مرد «اصل» قرار می‌گیرد و سعی می‌شود زن به مرد تشبّه یابد؛ بدین ترتیب این فمینیست‌ها بدون آنکه خود بدانند، با تحقیر جنس زن، مرد را به وی برتری داده و خواهان مشابه‌سازی زن به مرد می‌شوند. فمینیست‌های فلسفی هم که در چارچوب پارادایم پست‌مدرنیسم تعریف می‌شوند، اساساً بنیان‌های نظری یک جنبش «ضدمرد» را پایه‌گذاری می‌کنند. ادعای کلی این فمینیست‌ها آن است که جهان تاکنون «مردانه» اداره شده و این‌همه مفسده و هرج و مرج و بی‌عدالتی نتیجه اداره شدن جهان توسط مردان در طول تاریخ است، بنابراین از این پس جهان را باید به زنان سپرد تا بسازند از نو عالمی! لذا این نحله در بطن خود گرایش‌های ضدمردانه‌ای دارد؛ در حالی که خانم علیدوستی اساساً نسبت به این قرائت‌ها از فمینیسم بی‌اطلاع است.

■ **ثالثاً:** در یک تقسیم‌بندی، فمینیسم را به فمینیسم لیبرال، فمینیسم مارکسیستی، فمینیسم سوسیالیستی و... نیز تقسیم‌بندی می‌کنند. با توجه به هژمون و برجسته بودن لیبرالیسم در غرب و به حاشیه رفتن مارکسیسم و امثالهم، فمینیسم غالب در غرب نیز در حال حاضر از جنس فمینیسم لیبرال است. همانطور که گفته شد، فمینیسم حد و مرز روشنی ندارد و در عصر حاضر دامنه مطالبات آن از یک حق رأی ساده تا خواسته‌ای همچون «حق سقط جنین» را در بر می‌گیرد. گروهی از فمینیست‌ها می‌گویند به‌عنوان مثال اگر زنی هشت‌ماهه باردار بود و مثلاً میل به مسافرتی داشت و این جنین مانع و مزاحم او بود، این حق اساسی اوست که بتواند آن را سقط کند. اتفاقاً برخی کارشناسان می‌گویند نشانه‌ای که به‌روی دست خانم علیدوستی حک شده بود، بدون آگاهی ایشان، بیش از هرچیز به چنین گروه‌هایی ارجاع دارد تا اصل فمینیسم.

حمایت از اقدام ضدانسانی‌ای همچون «سقط جنین» با بنیان‌های لیبرالیسم تا حد زیادی همخوانی دارد. خانم علیدوستی در چند جای متن خود که گزیده‌ای از آن در ابتدای این مطلب بازنشر شد، بدون اطلاع از لوازم ذاتی مفهوم «فردیت»، چندین بار به آن اشاره و از آن دفاع کرده‌اند. فردیت در اندیشه لیبرالیسم که فمینیسم لیبرال نیز بخشی از آن است، به‌معنای اهمیت دادن به تفرد انسان نیست. «فردیت» ترجمه‌ای سردستی از اندیویژوالیزم (Individualism) است؛ اندیویژوالیزم پایه و اساس لیبرالیسم و فمینیسم لیبرال، فمینیسمی در چارچوب اندیویژوالیزم و فردیت است.

■ **رابعاً:** یکی از مدعاهای پرتکرار فمینیست‌ها، «تساوی جنسیتی» زن و مرد و اصرار بر «تشابه» مسئولیت‌ها، حقوق و تکالیف آنهاست. غفلت از «تفاوت‌های جسمی» نقطه ضعف مهمی برای فمینیست‌هاست. خانم علیدوستی هم در متنی که بدان اشاره شد، نوشته است: «فمینیسم یعنی حق هر انسان فارغ از جنسیتش، این است که فردیتی داشته باشد و طبق آن زندگی‌ای را که دوست دارد، برگزیند.» خانم علیدوستی می‌خواهد انسان‌ها را فارغ از جنسیتشان و چگونگی بافت جسمی و جنسی‌شان، مسئولیت، تکلیف و حقوق بپذیرند. برای روشن‌تر شدن موضوع مثالی می‌زنیم: ایشان قطعاً تأیید می‌فرمایند که ۹ ماه بارداری و حمل جنین یکی از سخت‌ترین وظایف مادری است؛ حال ایشان اصرار دارند تفاوت‌های جنسیتی در تقسیم نقش و وظایف برای زن و مرد نادیده گرفته شود. پیش‌فرض این سخن آن است که اساساً اینجور «نادیده‌گرفتن چیزهایی که هست»، برای انسان «شدنی» است؛ اما یک سؤال اساسی در این میان نادیده انگاشته می‌شود، بخش مهمی از وظایف و نقش‌های متفاوت زن و مرد در یک زندگی سالم خانوادگی، به تفاوت‌های بیولوژیک زن و مرد مربوط است و اتفاقاً همین تفاوت‌های جسمی است که منجر به ایجاد تفاوت در نقش‌ها و وظایف می‌شود، بداهتاً مشخص است که همه تقلاهای نظری برای تغییر این تمایزهای بیولوژیک، راه به جایی نخواهد برد. فقط کافی است به مسئله فرزندآوری که اساساً مسئله‌ای جسمانی است و منجر به ایجاد تفاوت‌هایی عمیق در نقش‌های زن و مرد در خانواده می‌شود دقت کنیم تا متوجه شویم که راه نقض گزاره عدم‌تفاوت در نقش‌های زن و مردی، چقدر ساده است.

■ **خامساً:** خانم علیدوستی در متن فوق‌الذکر گفته‌اند: «من و همسرم هر دو شاغلیم، هر دو درآمدمان را برای زندگی‌مان خرج می‌کنیم، هر دو در بزرگ کردن فرزندمان نقش برابر داریم، و هر دو بخشی از نظافت خانه را هم به‌عهده می‌گیریم؛ به این دلایل من خودم را قطعاً فمینیست می‌دانم».

درحقیقت ایشان تصور کرده‌اند اگر معتقد باشیم مرد باید در کار خانه کمک کند یا در بزرگ کردن فرزند نقش‌آفرینی جدی داشته باشد، ضرورتاً باید فمینیست باشیم، چون هیچ مکتب دیگری چنین حقوقی را برای زن به رسمیت نمی‌شناسد!

این پیش‌فرض هم ساده‌انگارانه و احتمالاً از سر کم‌اطلاعی است. اولاً همانطور که اشاره کردیم، فمینیسم حقیقتاً این نیست؛ ثانیاً حقوقی که اسلام برای زن برشمرده، ده‌ها مرتبه بالاتر از این چیزی است که خانم علیدوستی فرموده‌اند. بنابراین چه اصراری وجود دارد که به‌جای چنگ زدن به اسلام، به فمینیسم متوسل شویم؟

کارول گیلیگان Carol Giligan که از متفکران معروف جریان فمینیستی در دهه ۸۰ و ۹۰ غرب است، در کتاب بسیار معروف و تأثیرگذارش «یک صدای دیگر» (A Diffrent Voice) تز جالبی را در همان سپهر سکولار - لیبرال عرضه می‌کند: می‌گوید به‌جای بنای مبانی اخلاقی رفتار بر اساس عدالت (که عمدتاً مردانه است!) باید اساس توجه و مسئولیت (care) را قرار داد آنگاه مساوات رنگ می‌بازند و هر جنسی توجه مناسب خود را طلب می‌کند. خانم علیدوستی به‌جای تمسک به لالایی‌های محلی برای فهم ریشه‌ای فرهنگ اسلامی بهتر است توجه کنند که اسلام با در نظر گرفتن تفاوت‌های ساخت زن و مرد، عزت فوق‌العاده‌ای برای جنس زن در نظر گرفته است. زن طبق اسلام ریحانه‌ای است که اساساً وظیفه‌ای برای کار در منزل ندارد و حتی می‌تواند برای کاری که در منزل انجام می‌دهد از همسر خود طلب مزد کند. اسلام مرد را به‌شدت به کار در منزل توصیه کرده و هیچ گزاره‌ای در این دین مبنی بر اینکه کار منزل به‌عهده زن است وجود ندارد. این مسئله درباره نگهداری و تربیت کودک هم صدق می‌کند.

■ **سادساً:** یکی از نقاط ابهام، ریشه چنین موضع‌گیری‌ها و اظهاراتی از سوی برخی شخصیت‌های فرهنگی و هنری کشورمان است. غالباً تصور می‌کنیم این بیانات ریشه معرفتی دارند و گوینده از سر آگاهی عقلی و اعتقاد قلبی چنین مطالبی را به زبان می‌راند، اما حقیقت آن است که در این موارد بیش از کنکاش در مبانی نظری محض، باید روانشناسی معرفت و جامعه‌شناسی معرفت را دخیل کرد. حقیقت آن است که ارجاع دادن یکسری خواسته‌های متوسط زنانه به دفاع از فمینیسم - که از قضا در دین اسلام به بالاتر از آن تأکید شده - ریشه در شیفتگی ناآگاهانه در برابر غرب دارد. برخی در جامعه ایران و متأسفانه بیشتر در بین گروه موسوم به نخبگان تصور می‌کنند اگر بخشی از کره خاکی از نظر تکنولوژی که در حوزه «عقل ابزاری» و اینسترومنتال است پیشرفته بود، لزوماً باید به آنچه عقل نظری او در سایر جنبه‌ها حکم کرد و هرچه او «بافت» باید معتقد بود، در حالی که اینچنین نیست و این حوزه‌ها متفاوت از یکدیگرند، لذا قائل بودن به یک رابطه علی میان پیشرفت تکنیکی با پیشرفته‌بودن در حوزه علوم انسانی و عقل محض، پیش‌فرض ساده‌انگارانه‌ای است. مسئله دیگر آن است که تصور می‌شود برای معتبر و محترم بودن باید به مفاهیم و نمادهای غربی تکیه زد، البته با تأسف باید گفت چنین تصوری چندان هم دور از واقعیت نیست، بخشی از جامعه ایران (عموماً از طبقه متوسط به بالا) به‌دلایلی که پرداختن به آن در حوصله این متن نیست، برای فرهنگ غرب مرجعیت مثبت قائل است، لذا هرچه به‌نوعی به فرهنگ غرب مرتبط شود، خود به خود معتبر می‌شود، حتی اگر مفاهیم میان‌تهی و مبتذلی همچون فمینیسم و امثالهم باشد.

در پایان باید اشاره کنم که در وضعیت امروز جامعه که غرب با تمام امکانات در حال تحمیل نظر خود است و اتفاقاً آنچنان مزوّرانه عمل می‌کند که سوژه‌ها به‌جای احساس «مهندسی اطلاعات»، تلقی «دسترسی آزاد» پیدا می‌کنند و رجوع به ماشین جست‌وجوی گوگل را ملاک دسترسی به اطلاعات می‌دانند که در واقع گم‌شدن در بهمنی از «اطلاع‌نما»هاست، در چنین شرایطی شجاعت و جسارت آن نیست که حرف‌های «مد روز» فضای مجازی غرب را بازگو کنیم. شجاعت حقیقی فریاد زن مسلمان انقلابی است که بین گوهر مرد و زن تفاوتی نمی‌گذارد و راه رستگاری هر دو را - یعنی هر انسانی را - در بصیرت و تقوا می‌داند؛ نه تنها از زن بودن خود خجل نیست بلکه بدان افتخار می‌کند و آن را به هیچ وجه دست کمی از مردان نمی‌داند. حقیقت را در «مساوات» نمی‌داند بلکه در عدالت بر پایه تناسب و گوهر یکسان مرد و زن و توانمندی‌های خاص هر جنس می‌داند. در دنیای مدپرستی غربی و قتل عام فرهنگی سکولار - لیبرالیسم فرنگ، این فریاد و موضع زن مسلمان انقلابی است که جسورانه، شجاعانه و البته بسیار (نو) و (جذاب) است.

> **حمایت از اقدام ضدانسانی‌ای همچون «سقط جنین» با بنیان‌های لیبرالیسم تا حد زیادی همخوانی دارد. خانم علیدوستی در چند جای متن خود که گزیده‌ای از آن در ابتدای این مطلب بازنشر شد، بدون اطلاع از لوازم ذاتی مفهوم «فردیت»، چندین بار به آن اشاره و از آن دفاع کرده‌اند**

تلگرام- صهیونیسم روس- آلمان!

■ معصومه طاهری

در چند روز گذشته آنالیزی از سایت سی. می. لروب صورت گرفته که به صورت تصویری ضریب نفوذ اپلیکیشن‌های موبایلی را در دنیا نشان می‌دهد. در این ضریب نفوذ، واتس‌اپ در ۱۰۹ کشور بیشترین کاربرد را دارد و شاید کمترین کاربرد از نظر تعداد کشورها کوکا تالک در شرق آسیا و وی چت در چین باشد که البته از نظر تعداد جمعیت بسیار بالاست و از محصول ملی خودشان استفاده خوبی می‌کنند و بعد از آن تلگرام بود که طبق این آنالیز، تنها ایران و یکی از کشورهای آسیای میانه استفاده دارند. این آمار البته به اشکال مختلف دیگر نیز ارائه و تأیید می‌شود. ماهنامه رایانه که در خصوص فضای مجازی فعالیت دارد، طی مصاحبه‌ای که با اتباع کشورهای مختلف در شماره اخیر خود منتشر کرده است، تلویحاً به ضریب نفوذ واتس‌اپ و ناشناخته بودن تلگرام در دنیا اشاره کرده است.

اما چرا تلگرام در ایران به چنین نفوذ بالایی دست یافته است؟! بعد از نظرسنجی که با تعدادی از کاربران تلگرامی و مهاجران به این شبکه مجازی داشتیم، اغلب اشاره داشتند به امکانات این سیستم و سرعت بالایی که دارد، همچنین قابلیت دسترسی آسان و سهل‌الوصول بودن آن. اما بنا به گفته روح‌الله مؤمنی‌نسب، کارشناس فضای مجازی تلگرام هم متعلق به همان سیستم است. وی در این رابطه می‌گوید: رئیس شبکه تلگرام یک روس تبار صهیونیست است به اسم «پاول والریویچ دورُف» که بعد از ماجرای اوکراین به آلمان پناهنده شد. منتها صاحب اصلی تلگرام شرکتی به نام «قلعه دیجیتال» که رئیس آن «لاش ویلی» است که رئیس کنگره صهیونیست‌ها هم است. وی بین صهیونیست‌ها محبوبیت دارد و احتمال می‌دهند کاندیدای بعد از نتانیاهو هم باشد. حدود ۸۲/۱ کاربران تلگرام ایرانی هستند. این نرم‌افزار وارد ایران شده و به سرعت برق و باد تبلیغ و معرفی می‌شود حتی از تلویزیون کانال‌های آن معرفی می‌شود و رسما از آن حمایت می‌کنند. حتی برای بسته نشدن تلگرام یکجور کودتای دموکراتیک انجام شد تا این نرم‌افزار تعطیل نشود، درصورتی که تلگرام تمام قوانین جمهوری اسلامی ایران را نقض می‌کند. من بیش از ۵۰۰ ماده قانونی می‌دانم که در تلگرام نقض شده است؛ شرکتی که باید از وزارت بازرگانی مجوز داشته باشد یا اگر اپراتور است از وزارت ارتباطات یا شورای عالی فضای مجازی، اگر رسانه است باز هم از وزارت ارشاد ولی ندارد. مالیات و عوارض نمی‌دهد و تازه به ازای هر کاربری که عضو آن می‌شود دولت باید به شرکت پول بدهد! به خاطر تولید ترافیک به ازای هر کاربر درصدی را می‌دهد.»

بیسفون در ایران به عنوان جایگزین اولیه واتس‌اپ و سپس تلگرام معرفی شد اما دلایل مختلفی را برای عدم‌موفقیت این شبکه اطلاع‌رسانی می‌توان برشمرد از جمله اینکه قوانین دست و پاگیر و سختگیرانه وزارت ارشاد برای عضویت مجموعه‌ها و سازمان‌ها در این ساختار مجازی بود. مدتی قبل در زمستان سال گذشته شبکه اطلاع‌رسانی جدید تلگرام به نام «سلام» راه‌اندازی و فعال شد که به دلیل قابلیت‌های خوبی که داشت توانایی جایگزینی تلگرام را داشت اما این شبکه جدید که به تازگی نسخه دوم آن نیز با امکانات بیشتر ارائه شده همچنان از نگاه تبلیغی و کاربردی سازمان‌ها و ارگان‌های مختلف مغفول و مهجور مانده است. به طور قطع اگر قرار است از تولید ملی و اقتصاد ملی در عمل حمایت بشود، عرصه فضای مجازی بهترین و ملموس‌ترین قدم است که در آن نیز بحمدالله توفیقات زیادی داشته‌ایم و حرف برای گفتن داریم اما همانطور که می‌بینیم نه تبلیغ خاصی می‌شود و نه حتی این اپلیکیشن‌ها از سوی ارگان‌ها و سازمان‌های مدعی استفاده می‌شود. اگر قرار است «سلام» جایگزین تلگرام و واتس‌اپ یا هر چیز دیگری بشود در درجه اول نیاز به معرفی و شناخت و تشویق مردم به استفاده از آن است؛ متأسفانه حتی سایت‌های خبری که بر صهیونیست بودن این اپلیکیشن‌ها تأکید هم دارند از اپلیکیشن‌های بومی استفاده نمی‌کنند. درست است تلگرام در ایران ترک‌تازی می‌کند و فراگیری دارد اما با یک عزم همگانی و اقدام و عمل درست و منطقی می‌توان آن را جایگزین کرد.

اما با این تفاصیل چه اشکالی دارد در برنامه‌های تلویزیونی کنار تبلیغات اینستاگرامی و کانال‌های تلگرامی، شبکه‌های بومی مثل «سلام» هم تبلیغ و معرفی شوند! چه اشکالی دارد در زیر هر خبر که سایت‌ها و خبرگزاری‌های مختلف آدرس تلگرامی می‌گذارند، شبکه اجتماعی «سلام» نیز قرار داده شود تا کاربران با آن آشنا شوند! هرچه باشد کشور ما کشوری است که ساختار آن اغلب دولتی است و حداقل اگر ارگان‌ها و سازمان‌های دولتی بخواهند می‌توانند قسمتی از ذائقه عمومی را به سمتی که تمایل دارند سوق بدهند. نمی‌توان گفت با خروج از تلگرام یا حضور کمرنگ در آن از ارتباطات جهانی دور می‌شویم چراکه به گفته کارشناسان فضای مجازی تلگرام در جهان شناخته شده نیست و بنا به آنچه خود سایت‌های خارجی هم منتشر می‌کنند، از این شبکه تنها در ایران و یک کشور آسیای میانه استفاده بالایی می‌شود که ایرانی‌ها هم‌چندان با آن کشور ارتباطی ندارند. آنچه مسلم است، فتح فضای مجازی ایران توسط تلگرام جای تأمل و تحقیق دارد اما در درجه اول باید گفت اگر تلگرام کمتر از دو سال این گونه با سرعت بالا میان کاربران ایرانی جا باز کرده است بیش از همه مدیون ضعف مدیریتی و ناتوانی مسئولانی است که بیشتر موعظه و سخنرانی می‌کنند تا اقدام و عمل.